

ثَنِيه كَدَاء: محل ورود پیامبر ﷺ به مکه

ثنيه كداء گرده‌ای است که در منطقه مَعَلات مکه و در مسیر قبرستان مَعَلات (ابوطالب) میان دو کوه قُعَيْقَعان و حَجون قرار دارد.^۱ ورود به مکه از این گرده، به پیروی از پیامبر ﷺ (← ادامه مقاله) مستحب دانسته شده است.^۲ این گرده را با نام‌های متفاوت چون ثنية المدینین، مقبره، غلیا، عَقَبه و مَعَلات خوانده‌اند.^۳ گذر از این گرده دشوار بوده است و گاه برای رفع این مشکل کارهایی انجام داده‌اند. معاویه بن ابی سفیان (حك: ۴۱-۶۰ق.) یا عبدالله بن زبیر (حك: ۶۴-۷۳ق.) نخستین کسانی بودند که به هموار کردن آن پرداختند.^۴ عبدالملک بن مروان (حك: ۶۵-۸۵ق.) نیز در این زمینه کوشید. به دستور مهدی عباسی (حك: ۱۵۸-۱۶۹ق.) در برخی جاهای این گرده پله‌هایی ساختند و طناب‌هایی نهادند و کناره‌های مسیر را نیز دیوارکشی کردند. در سال ۸۱۱ق. یکی از ساکنان مکه قسمتی از راه را که عبور از آن مشکل بود، هموار کرد. در نیمه دوم سال

۸۱۷ق. فردی دیگر راهی تنگ و باریک غیر از مسیر معمول گشود که بعدها توسعه یافت. ناهمواری‌های راه را نیز هموار کردند و میان دو راه، حائلی سنگی قرار دادند.^۵ در سال ۸۳۷ق. سودون محمدی، مسؤل بازسازی‌های مسجد الحرام از سوی سلطان جَقَمَق مملوکی (حك: ۸۴۲-۸۵۷ق.)، با ادغام دو راه قدیم و جدید، مسیر را توسعه داد.^۶

امروزه این ثنيه که با نام ريع الحجون شناخته می‌شود^۷، وسعت یافته و دو راه سه بانده، یکی برای بالا رفتن و دیگری برای پایین آمدن، در نظر گرفته شده و با پلی به خیابان منتهی به مسجد الحرام، متصل گشته است.^۸

به روایتی، حضرت ابراهیم دعای مشهور ﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي...﴾ پس از بر جای گذاشتن ساره و اسماعیل در مکه، بر بالای ثنيه كدَاء خواند.^۹

گزارش‌هایی در باره ورود پیامبر به مکه از این ثنيه در دست است.^{۱۰} در فتح مکه به سال هشتم ق. پیامبر ﷺ پس از تماشای درگیری

۵. شفاء الغرام، ج ۱، ص ۳۰۹؛ التاريخ القويم، ج ۲، ص ۴۰۶.

۶. شفاء الغرام، ج ۱، ص ۳۰۹؛ «پاورقی».

۷. المعالم الاثيرة، ص ۲۳۱.

۸. اخبار مکه، فاکهی، ج ۴، ص ۱۷۸؛ «پاورقی».

۹. مجمع البيان، ج ۱، ص ۳۸۹؛ نور الثقلین، ج ۲، ص ۵۴۹؛ بحار

الانوار، ج ۱۲، ص ۹۷.

۱۰. الحج و العمرة، ص ۶۳.

۱. شفاء الغرام، ج ۱، ص ۴۰۳؛ میقات الحج، ش ۷، ص ۲۲۸؛ «مختصر معجم معالم مکه التاريخيه».

۲. بهجة النفوس، ج ۱، ص ۶۲۱؛ الدروس، ج ۱، ص ۳۹۲؛ فتح العزيز، ج ۷، ص ۲۶۸-۲۶۹.

۳. اخبار مکه، فاکهی، ج ۴، ص ۱۷۸-۱۷۹.

۴. اخبار مکه، فاکهی، ج ۴، ص ۱۷۹؛ اخبار مکه، ازرقی، ج ۲، ص ۲۸۶.

◀ منابع

اتحاف السوری: عمر بن محمد بن فهد (م. ۸۸۵ق.)، به کوشش عبدالکریم، مکه، جامعة ام القرى، ۱۴۰۸ق؛ اخبار مکه: الازرقی (م. ۲۴۸ق.)، به کوشش رشدی الصالح، مکه، مکتبه الثقافه، ۱۴۱۵ق؛ اخبار مکه: الفاکهی (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش ابن دهیش، بیروت، دار خضر، ۱۴۱۴ق؛ الاماکن او ما اتفق لفظه و افتراق مسماه من الامکنه: محمد الحازمی (م. ۵۸۴ق.)؛ بحار الانوار: المجلسی (م. ۱۱۱۰ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق؛ البدایة و النهایه: ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)، بیروت، مکتبه المعارف؛ بهجة النفوس و الاسرار: عبدالله المرجانی (م. ۶۹۹ق.)، به کوشش محمد عبدالوهاب، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۲۰۰۲م؛ التاريخ القویم: محمد طاهر الکردی، به کوشش ابن دهیش، بیروت، دار خضر، ۱۴۲۰ق؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک): الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ الحج و العمرة و معرفة الحرمین الشریفین: علی افتخاری گلپایگانی، تهران، مشعر؛ الدروس الشرعیة: الشهدی الاول (م. ۷۸۶ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۲ق؛ دلائل النبوه: البیهقی (م. ۴۵۸ق.)، به کوشش عبد المعطی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق؛ السیرة النبویه: ابن هشام (م. ۲۱۸/۲۱۳ق.)، به کوشش السقاء و دیگران، بیروت، دار المعرفه؛ شفاء الغرام: محمد الفأسی (م. ۸۳۲ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق؛ الطبقات الکبری: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ فتح العزیز: عبدالکریم بن محمد الراعی

میان بخشی از نیروهای مسلمان و دسته‌ای کوچک از مکیان از بالای این ثنیه، در پی نماز خواندن در کوه حجون از ثنیه پایین آمد و وارد مکه شد.^۱

ایشان هنگام تقسیم نیروها به زبیر بن عوام دستور داد که از ثنیه کدا به مکه وارد شود و پرچم مسلمانان را بر روی کوه حجون نصب کند.^۲ در گزارشی دیگر آمده که پیامبر ﷺ به سعد بن عباده دستور داد تا نزد گروهی در ثنیه کدا برود. سعد در آن جا اشعاری در باره رسیدن زمان انتقام از مکیان سرود. رسول خدا با شنیدن این جملات، حضرت علی را مأمور کرد که پرچم را از وی بگیرد.^۳ در حجة الوداع به سال دهم ق. نیز پیامبر از ثنیه کدا وارد مکه شد.^۴

آورده‌اند که در سال ۷۳ق. جنازه ابن زبیر به دستور حجاج در ثنیه کدا بر دار آویخته شد و پس از مدتی به درخواست ابن عمر، جنازه او را پایین آوردند و دفن کردند.^۵ گردنه و ورودی دیگری در پایین مکه قرار دارد که به ثنیه کدی معروف است.^۶

۱. دلائل النبوه، ج ۵، ص ۴۴؛ اتحاف الوری، ج ۱، ص ۵۰۲.

۲. اتحاف الوری، ج ۱، ص ۴۹۶.

۳. السیرة النبویه، ج ۲، ص ۴۰۶؛ تاریخ طبری، ج ۳، ص ۵۶.

۴. الطبقات، ج ۲، ص ۱۰۶؛ بهجة النفوس، ج ۱، ص ۶۲۱؛ التاريخ القویم، ج ۲، ص ۵۱.

۵. البدایة و النهایه، ج ۸، ص ۳۳۲، ۳۴۲.

۶. اخبار مکه، فاکهی، ج ۴، ص ۲۱۴؛ الاماکن، ص ۱۹۹-۲۰۰.

(م. ۶۲۳ق.)، دار الفکر؛ مجمع البیان: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، اعلامی، ۱۴۱۵ق؛ المعالم الاثیره: محمد محمد حسن شراب، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۱ق؛ نور الثقلین: العروسی الحویزی (م. ۱۱۱۲ق.)، به کوشش رسولی محلاتی، اسماعیلیان، ۱۳۷۳ش؛ میقات الحج (نصف سنویه): تهران، سازمان حج و زیارت.

امیرعلی حسنلو



ثنّیة الوداع: گردنه‌ای در شمال مدینه در

مسیر شام

ثنیه به معنای راهی تونل مانند در کوه و گردنه است و گاه در باره خود کوه نیز به کار می‌رود.^۱ وداع نیز به معنای خداحافظی است. این نام بر تپه‌ای بیضی شکل با سنگ‌های سرخ و سیاه^۲ در شمال غربی مدینه و در مسیر شام و میان کوه‌های دُباب و سَلَع و نزدیک مشهد نفس زکیه اطلاق می‌شد.^۳ ارتفاع این ثنیه پنج متر و قطر آن ۵۰ متر بوده است.^۴

برای نام گذاری ثنّیة الوداع وجوه گوناگون برشمرده‌اند. برخی این نام را کهن و مربوط به روزگار جاهلیت و سبب آن را تودیع با

مسافران در این مکان دانسته‌اند.^۵ گروهی ثنّیة الوداع را تنها ورودی مدینه در دوران جاهلی دانسته‌اند و از این باور مردم یاد کرده‌اند که اگر کسی هنگام گذر از آن تعشیر (تقلید صدای الاغ) نکند، با این جهان وداع خواهد نمود.^۶

برخی از محققان با برشمردن ادله‌ای چون ضعف سندی و متنی حدیث و این‌که ثنّیة الوداع نامی اسلامی است و قرینه‌ای بر جاهلی بودن آن یافت نشده، این وجه نام گذاری را نپذیرفته‌اند.^۷

شماری از اهل سنت در جهت باور خویش در مسأله متعه، دستور پیامبر ﷺ در نهی از متعه و وداع با همسران متعه‌ای را دلیل اشتهار این ثنیه به این نام دانسته‌اند. آنان روایتی از جابر بن عبدالله انصاری نقل کرده‌اند که این ثنیه مشهور به ثنّیة الوداع بوده و پس از تحریم متعه، به ثنّیة الوداع تغییر نام یافته است.^۸ این روایت نیز به جهت تعارض با روایات فراوان در باره حلیت متعه و نیز تشتت احادیث حرمت متعه و تعیین زمان‌های متفاوت برای

۵. معجم البلدان، ج ۲، ص ۸۶؛ نک: تاج العروس، ج ۱، ص ۹۲، «مقدمه».

۶. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۲۶۹؛ وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۴۳؛ العالم الاثیره، ص ۸۰.

۷. المعالم الاثیره، ص ۸۰-۸۱.

۸. مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۲۶۴؛ فتح الباری، ج ۹، ص ۱۴۶؛ نک: تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۲۷۰؛ وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۴۳.

۱. النهایه، ج ۱، ص ۲۶۶؛ لسان العرب، ج ۱۴، ص ۱۲۳، «ثنّی».

۲. معالم المدینه، ج ۱، ص ۲۸.

۳. معالم المدینه، ج ۱، ص ۲۶۷، ۲۸۳.

۴. معالم المدینه، ج ۱، ص ۲۸۴.